

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :  
A Study of Mithraism in the Culture of Bakhtiari People  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## مقاله پژوهشی

# بررسی آیین مهرپرستی در فرهنگ قوم بختیاری

امین احمدی بیرگانی\*

کارشناسی تاریخ، دانشگاه پیام نور فارس، چهارمحال بختیاری، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۲۷

### چکیده

یکی از پراهمیت‌ترین مسائل در زمینه نگه‌داشتن ارزش‌های بومی یک منطقه، یافتن نشانه‌هایی است که از گذشته باقی مانده است. آیین‌های بختیاری به‌عنوان میراث ناملموس مردم بختیاری، از دیرباز سینه به سینه به ایشان به ارث رسیده و سرشار از مفاهیم نمادینی است که در بستر زمان از اساطیر، فرهنگ و اعتقادات آنها نشئت گرفته است. هدف از این پژوهش، شناسایی نمادهای آیین میترا به همراهی باقی نمادهای تصویری برآمده از مفهوم و داستان‌های مهری در فرهنگ قوم بختیاری، بر مبنای مطالعه تطبیقی و با استناد به مدارک و پژوهش‌های اسطوره‌شناسی، تاریخ ادیان و ایران باستان است. آیین مهر یکی از آیین‌هایی است که تصاویر نمادین به‌عنوان زبان بصری در انتقال مفاهیم و مبادی این آیین و پیروان آن به‌کاررفته و در طول زمان گاه این تصاویر با همان معانی مستتر در آنها حفظ شده و سده‌های بعدی با تغییراتی در همان شیوه و با مفهوم گسترده‌تر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

**واژگان کلیدی:** نمادهای مهری، میترایسیم، میترا، آیین و رسوم، قوم بختیاری.

### مقدمه

نظم و نثر به حیات خود ادامه دهد. نمودهای مختلف این ایزد در افسانه‌های عامیانه نیز حضوری پررنگ دارد و این نشان‌دهنده ماندگاری او در باورهای انسان ایرانی از زمان کهن تا کنون است. اگر چه باورهای به‌جامانده با اصل اولیه اعتقادی فاصله دارد، اما هنوز روح دمیده شده از این باورها به اشکال مختلف نزد مردمان به حیات جاودانه خود ادامه می‌دهد. باورهایی که پیوند ناگسستنی با فرهنگ مردم ایران باستان به‌عنوان یک کلیت اعتقادی داشته و امروزه نیز به شیوه و شکل‌های مختلف در زندگی آنها وجود دارد. قوم بختیاری نیز در طول تاریخ پرفرازونشیب خود از ادوار بسیار کهن تا به امروز، آداب، سنن و آیین‌ها و باورهای کهن خاص خود را داشته و پیوندی عمیق و مانا با اسطوره‌ها و باورهای ساکنان سرزمین ایران و حتی بین‌النهرین دارد. فرهنگ و آداب‌ورسوم عشایر ما را به پیوستگی فرهنگی با اجداد باستانی‌مان می‌رساند. هر چند نمی‌توان ادعا کرد که قبایل امروزی از قبایل باستانی هستند، اما مسلماً بسیاری از آیین‌های آنها برگرفته از راه و روش

قدیمی‌ترین سرگذشت خدایان و کهن‌ترین توجهات به آفرینش و ایجاد طبیعت و انسان، در قالب افسانه و اسطوره بیان شده است. قرابت افسانه‌ها و اسطوره‌ها این امکان را ایجاد می‌کند که ردپای بسیاری از اساطیر و آیین‌های کهن را در آنها جستجو کنیم. در طول تاریخ ایران، ادیان مختلف تأثیرات بسیاری بر فرهنگ این مرز و بوم داشته‌اند. در این میان دین مهری یکی از تأثیرگذارترین و گسترده‌ترین ادیان در سرزمین ایران است که این گستردگی هم به دلایل جغرافیایی و به هم به سبب تاریخی حائز اهمیت است. ایزد مهر به‌دلیل حضور پر قدرت خود در ادوار تاریخی کهن و همچنین دنیای اساطیری با داشتن بن‌مایه‌هایی از دنیای کهن توانسته‌اند در عرصه‌های مختلف ذهن بشری به حیات خویش ادامه دهند. از این رو مهر به‌عنوان یکی از قوی‌ترین ایزدان ایران باستان، توانسته در لابه‌لای متون

به دوران ماقبل تاریخ و مهر اولیه است که بیانگر آخشیح‌های چهارگانه (آب، باد، خاک، و آتش) است. «این علامت نخستین بار در حدود خوزستان یافت شده و مربوط به پنج هزار سال پیش از میلاد است و با این ترتیب پیشینه تاریخی آن با احتمال بسی کهن‌تر از سابقه آن نزد آریائیان هند است. «هرتسفلد» آن را گردونه خورشید نامیده است» (بختورتاش، ۱۳۵۱، ۷۱). در سوزینه‌های (بافته‌های) قوم بختیاری نیز نقش چلیپا به وفور یافت می‌شود. گاه در این بافته‌ها چشمان پرنده نگاره‌ای چلیپاست و گاه مانند گلیم‌های بختیاری در حاشیه‌ها به صورت چلیپا بافته می‌شود. در صنایع دستی نیز، به‌ویژه دوک ریسندگی زنان بختیاری، از دو تکه چوب و یک محور تشکیل می‌شود که شکل صلیب را می‌نماید. چلیپا در فرهنگ بختیاری کاربردهای گوناگونی دارد. مثلاً در خالکوبی زنان، روی بعضی از اشیاء مانند کارد، قیچی، دوک و غیره این نماد رمزآلود وجود دارد (یعغوب‌زاده و خزائی، ۱۳۹۸، ۴۶). نماد چلیپا یکی از علائم خالکوبی روی پیشانی و چانه و دستان زنان قوم بختیاری است. خالکوبی دست و صورت که هم‌اکنون در میان زنان و دختران بختیاری شایع است، یکی از شرایط تشریف به آیین مهرپرستی است. در طریقت مهر، رسم بر این بوده که بر پیشانی فرد مهری، خالی به شکل چلیپا (صلیب) رسم می‌کردند و حاکی از این بوده که وجود او بر آیین مهر وقف شده است و آن فرد با افتخار تعهد می‌کرد که استعدادها، نیروها و زندگی‌اش را وقف خدمت به کسی کند که بر اسرار حکومت می‌کند (نیاز کرمانی، ۱۳۶۴، ۱۰۸-۱۰۹).

#### – قربانی کردن خروس

خروس نماد سروش و پیک خورشید یا مهر بوده که نوید پایان تاریکی و آغاز روشنائی و نور است. بعدها پیک اهورامزدا شده و تا کنون نیز خروس صبح زود پیام‌آور روز بوده و پایان شب است (آورزمانی، ۱۳۹۷، ۴۶) در آیین مهر خروس جایگاه ویژه‌ای داشت. «با خروش خروس، مهرپرستان موظف بودند برخاسته، به عبادت بپردازند؛ به همین دلیل مراسم تشریف برای نوآموز دین مهری، در سحرگاهان و آغاز بامداد بود و در جشن مهرگان، در مراسم دینی خروس سپید به میترا هدیه می‌شد» (رضی، ۱۳۷۱، ۱۲۱). در آیین‌های قربانی در بختیاری، خروس یکی از پایه‌های قربانی محسوب می‌شود. پرنده‌ای که مورد پذیرش خدای خورشید بوده و به‌عنوان روان جاودانه خورشید محسوب می‌شود که جهان خواب‌آلود را بیدار می‌سازد. همچنین هرگاه فردی به هنگام غروب آفتاب و شب وفات می‌یافت، خروسی بر بالای سر متوفی می‌بستند که این امر به‌واسطه اهریمن تیرگی بر روان فرد متوفی صدمه‌ای وارد ننماید. همچنین هرگاه چند نفر با فاصله زمانی کوتاه از فامیلی فوت می‌کردند، یکی از فامیل خروسی را سر می‌برید و

و مذهب اقوام باستانی است. آیین‌ها آینه تمام‌نمای فرهنگ، مذهب، احساسات، عواطف، اندیشه‌ها و توتم‌های یک قوم‌اند که از رهگذر آن می‌توان موجودیت اقوام گوناگون را شناخت. اعتقادات این مردمان روایتگر تصاویری بکر و مانا از هزاره‌های گذشته این سرزمین است. این باورها با ما سخن گفته و ما را به هزاره‌های کهن می‌برند و بالعکس این هزاره‌های دیرین را نیز به دوره ما می‌آورند و این دنیای پر از رمز و اشارت لحظه به لحظه با ما و در کنار ما به حیات ازلی خود ادامه می‌دهند. بسیاری از سنن، آداب و رسوم جاری در میان قوم بختیاری در ارتباط با ارزش، تقدس و اهمیت برخی از منابع طبیعی مورد نیاز آن قوم شکل گرفته‌اند. آداب، سنن، آیین‌ها و باورهای کهن آنها، پیوندی عمیق و مانا با اسطوره‌ها و باورهای ساکنان سرزمین ایران و حتی بین‌النهرین داشته و نسل به نسل از پس هزاره‌ها گذشته است و هم‌اکنون در فرهنگ مردم رایج است.

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیرات مهر و آداب و باورهای آن بر فرهنگ قوم بختیاری است. گرچه در طول هزاره‌های تاریخی از این مردمان و ساکنان اولیه آن و اعتقاداتشان ردپاهای کم‌رنگی برجای مانده، اما به نظر می‌رسد همین ادامه حیات به‌منزله آن است که این قوم ظرفیت و شایستگی ارائه اندیشه‌های ارزشمند خود به سایرین را دارد. اعتقاداتی بسیار زیبا و کهن به قدمت تاریخ بشریت که تا امروز کمابیش به حیات خود ادامه داده‌اند. اگرچه این میراث هرگز مکتوب نشده اما از آنجا که سینه‌های این مردمان روایتگر آن بوده، نسل به نسل روایت شده و به امروزیان منتقل شده است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که: آیا پس از قرن‌ها، باورهای اساطیری این آیین همچنان حفظ شده‌اند؟ در رابطه با موضوع پژوهش به‌طور اخص پژوهشی انجام گرفته است.

#### مبانی نظری

##### • خورشید

خورشید همراه و هم‌پیمان میترا معرفی شده است. خورشید این عنصر حیات‌بخش در زندگی ابتدایی و شبانی بختیاری‌ها در ادوار کهن ارتباط و روزمرگی با عنصر خورشید و به‌دنبال آن نشانه‌های خورشید را فراهم آورد که از مظاهر و تجلیات کیش مهر بوده است. نماد خورشید در قوم بختیاری نماد پاکی و قداست و شکوه است. جنبه تطهیرکننده و اهریمن‌ستیزی دارد. از نماد خورشید بعضی نمادهای جنبی نیز ایجاد می‌شود که این نمادهای جنبی در زندگی مردم بختیاری نقش ویژه‌ای داشته است.

##### – چلیپا

چلیپا یا صلیب شکسته، قدیمی‌ترین نماد مهری، یعنی مربوط



تصویر ۱. آیین کتل در مراسم سوگواری. مأخذ: آرشیو نگارنده.



تصویر ۲. کل یا کله. مأخذ: <https://www.aparat.com>

به‌طور کامل در نزدیک قبرستان خاک می‌کردند.

#### - قربانی کردن اسب

«در افسانه‌های هند و اروپایی از اسب به‌عنوان نشان ویژه ایران، آفتاب، ماه و باد سخن رفته است و اشاره شده که در برابر برخی ایزدان، از جمله قربانی‌های کیخسرو در برابر ایزدان برای پیروزی بر افراسیاب سخن رفته است». (آبان یشت، ۴۹-۵۰، اسب یشت بند ۲۱-۲۳).

در آیین سوگواری بختیاری، اشعار و سوگ سروده‌ها به‌همراه نمایش گونه‌ای از مراسم کتل و برپا کردن مافه، گاه علاوه بر تأثیر حزن‌انگیزی که دارد با موسیقی عزا آمیخته می‌شود و بخشی از فرهنگ این قوم بزرگ را رقم می‌زند. کتل (kotal) در حقیقت نماد مرکبی است که سوار خود را از دست داده است. رسم کتل بستن به این ترتیب است که موی یال و دم اسب را می‌برند و زین را وارونه بر پشت آن می‌گذارند و پشت آن را با پارچه‌های سیاه می‌پوشانند و جنگ‌افزارها و لباس‌های متوفی را به آن می‌آویزند و یا بر پشت آن می‌گذارند. گذشته از این، زنان خانواده در گذشته سربند و گیسوان بریده خود را بر پیشانی یا گردن اسب می‌آویختند (تصویر ۱). اسب کتل در جلوی تشییع‌کنندگان حرکت می‌کرد و یا در روزهای عزاداری بر در خانه فرد در گذشته نگه داشته می‌شد (منصوریان سرخگریه و دهقان قاسم خیلی، ۱۳۹۰، ۱۳۱). بریدن یال دم و اسب نشانه‌ای از بی‌سوارماندن و گونه‌ای یتیم شدن اسب بدون صاحب خویش است. در واقع این نماد اسب نیز نوعی مرگ را همزمان با سوار خویش تجربه می‌کند و دیگر عملاً فاقد کارایی شایسته خود است. فروش اسب کتل کرده را نیز جایز نمی‌دانند و به‌نوعی اسب قربانی شده است.

#### - کل سنگی

یکی از نمادهای جنبی که بختیاری‌ها از آن استفاده می‌کنند، کل یا تک‌ستون سنگی یا هرمی شکل است که در نمادپردازی به معنی محور کیهان و درخت حیات است و انگشت خورشید، که با آن مکان مقدس را نشانه‌گذاری می‌کنند و ارتباط مستقیمی با خورشید دارد (تصویر ۲). زائران و مسافران هنگامی که بر گردنه‌ای که پیر یا امامزاده از آنجا نمایان است می‌رسند، می‌ایستند و به امامزاده تعظیم می‌کنند و در آنجا کله (سنگ‌چین) می‌کنند.

#### - آتش

آتش یکی دیگر از نمادهای خورشید است. ایرانیان باستان آتش را نماد موجودیت خود یا نمادی از هویت ملی خود یا اجاق می‌دانستند و به آن افتخار می‌کردند. اجاق نماد تجسم خانواده نیز محسوب می‌شد. در بختیاری نیز مرد به‌عنوان

به وفور استفاده شده است. صورت شیر سنگی‌های بختیاری رو به سوی طلوع خورشید است.

- سوگند به خورشید و نمادهای آن

ایرانیان باستان هنگام تصمیم‌گیری درباره مسائل قانونی، در آتشکده به مهر سوگند می‌خوردند و از این رو گاه به آتشکده «دارمهر» یا «درمهر» می‌گفتند. «این اعتقاد وجود داشت که میان میترا، ایزد پیمان و آتش ارتباطی وجود دارد و آتش نماینده میتراست، بنابراین رسم چنین بود که برای تحکیم پیمان‌ها در خصوص آتش، خدا، آتش اجاق در آتشدان و خواه مجمر آتش خورشید در آسمان، به میترا سوگند می‌خوردند» (رجبی، ۱۳۸۰، ۲۰۸).

بختیاری‌ها به آتش به‌عنوان یک نماد مقدس می‌نگرند، تا جایی که به آن سوگند یاد می‌کنند. مثلاً می‌گویند: به ئی تش قسم (به این آتش قسم) یا به تش و چاله هونت قسم (به اجاق و آتش‌خانه‌ات قسم)، و نیز هرگاه فردی مظنون به خطا و اشتباهی می‌شد و یا در مظان اتهام قرار می‌گرفت او را به ادای سوگند در برابر مقدسات می‌کردند و یکی از این مقدسات آتش بود و جالب اینکه فرد اگر گناهکار بود هرگز راضی نمی‌شد به دروغ سوگند به آتش یاد نماید، چون معتقد بودند سوگند دروغ به آتش تاوان جبران‌ناپذیری دارد. امروزه رایج است برای باور کردن حرف کسی، وی به پیر یا موی سپید شخص پیر و با تجربه قسم می‌خورد که یادآور مقام پیر در آیین مهر است.



تصویر ۳. بردشیر یا شیر سنگی روی قبر بزرگان قوم بختیاری. مأخذ: آرشیو نگارنده.

سمبل و نشان خانواده به حساب می‌آمد و اگر مردی صاحب فرزند نمی‌شد او را اجاق کور می‌گفتند، زیرا معتقد بودند مردها عامل برپادارنده آتش در خانواده هستند و فردی که فاقد فرزند پسر باشد آتش در خانواده‌اش پایدار نخواهد ماند. به‌نظر می‌رسد که واژه دودمان نیز برگرفته از همین اصل باشد، یعنی دودی که از آتش‌خانه برمی‌خیزد. همچنین در طبقه‌بندی طایفه‌ای، هر طایفه به چند «تش» تقسیم می‌شده، یعنی هر پسری که ازدواج می‌کرده صاحب آتشی اختصاصی بوده و به طبع آن تکثر خاندان و عامل شناسه هر خاندان بوده و هر فامیل را به یک «تش» منتسب می‌نمودند. همان‌گونه که در ایران باستان نیز آتش نماد تقسیم قدرت و وابستگی خانوادگی بوده است. در ایران باستان «وقتی شاه درمی‌گذشت، آتش مقدس را در سراسر کشور خاموش می‌کردند و دوره سوگواری عمومی آغاز می‌شد. ایرانیان موهای خود را کوتاه می‌کردند و لباس عزا می‌پوشیدند، یال اسبان نیز کوتاه می‌شد» (کورت، ۱۳۷۸، ۹۵). در ایران باستان به نیاکان پرستی قربتی تام داشتند و چون بزرگ خاندان درمی‌گذشت او را در صحن آتشگاه خانه دفن می‌کردند و آتش مقدس همیشه بر گور او زبانه می‌کشید. بختیاری‌ها نیز بر گرد گور متوفی آتش می‌افروختند، ولی از آنجا که روشن نگاه‌داشتن آن بر گور دشوار بود، به نمادپردازی و رمزپردازی روی آوردند و تنها به برافروختن چراغ که نماد آتش است در چند روز و گاه تاچهل روز اکتفا می‌کردند و پس از آن از نماد بهره بردند.

- بردشیر

در رمزپردازی شیر را به‌عنوان نماد محافظ و نگهبان آتش قلمداد می‌کردند. «در کهن‌ترین تصاویر، شیر مربوط به پرستش خورشید-خدا بود. شیران نیز نگهبانان نمادین پرستشگاه‌ها، قصرها و آرامگاه‌ها بودند و تصور می‌شد درنده‌خویی آنها موجب دور کردن تأثیرات زیان‌آور می‌شد» (هال، ۱۳۸۰، ۶۱) و از آنجا که مردان نگهبان آتش بودند، از این رو بر سر قبر مردان بزرگ خاندان نمادی از شیر سنگی (بردشیر) می‌نهادند تا آتش همواره به‌صورت نمادین رحمت و لطف خود را از فرد متوفی دریغ ننماید و از سوی دیگر سایرین بدانند در این قبر که بردشیری بر آن ایستاده، بزرگ‌مردی که حافظ آتش خاندان بوده خفته است (تصویر ۳). شیران در دین میترا مقامی ممتاز دارند، در برخی معابد مجسمه شیرهایی دیده می‌شود که شباهت تامی با گوربانان (مستحفظین قبر) دارند (ورمان، ۱۳۸۷، ۱۸۰). نقش برجسته‌های حکاکی‌شده بر روی شیرهای سنگی (بردشیر) در قوم بختیاری مانند جام، شمشیر، گرز، حیوان قربانی شده و غیره، باور میترایسم بوده که پس از قربانی کردن و ریختن خون در جام آن را به طبیعت بازمی‌گردانند و در نگاره‌های تخت‌جمشید هم از جام و شیر

و انتظار برکت‌بخشی داشتند. در زمان خشکسالی نیز برای طلب باران رسم قربانی کردن ورزا با مراسم خاصی در نزدیکی چشمه‌ها انجام می‌گیرد.

#### - بز کوهی

یکی از نمادهای باران در ایران باستان، بز کوهی است که شاخ‌های برگشته آن نماد و نشانهٔ هلال ماه هستند و چون میان شاخ‌های خمیدهٔ بز کوهی و هلال ماه نیز رابطه‌ای وجود داشته است؛ از این رو مردم باستان را عقیده بر این بوده که شاخ‌های خمیدهٔ بز کوهی در نزول باران مؤثر است. در میان نگاره‌های باقیمانده از هزاره‌های کهن، نگاره‌های بسیاری از بز کوهی بر دیوارهٔ غارها، کوه‌ها و صخره‌های ایران باقی مانده است. اهمیت نقش‌مایهٔ «بز» نزد مردم ایران به حدی است که بیش از ۹۰ درصد نقوش ایران به این نقش‌مایه اختصاص یافته است. در باور مردم بختیاری «اگر بزها به هم شاخ بزبند، نشانهٔ بارندگی است» (داودی حموله، ۱۳۹۳، ۵۱۲). «نقش قوچ و شاخ‌های آن، با ریشه‌ای دیرینه در باور و فرهنگ ایران، در هنر بختیاری نشان از باور فتیشیسمی (شیء‌پرستی و شیء باوری) است که این قوم اصیل ایرانی به این نقش و کاربردهای آن اعتقاد دارند. در میان مراسم آیینی بختیاری‌ها گاهی اوقات برای یادمان متوفی شاخ‌های قوچ یا پازن را به کار می‌برند.» (یعقوب‌زاده و خزائی، ۱۳۹۸، ۷۴).

#### - عقرب

عقرب نیز با شاخک‌های شبیه هلال ماهش از علامات ماه است (صمدی، ۱۳۶۷، ۲۴). نقش عقرب به‌عنوان موجودی مقدس در تمام مهرابه‌ها و در صحنهٔ گاوکشی مقدس دیده می‌شود. در ادیان ایرانی موجودی پاک و غیر اهریمن است (آورزمانی، ۱۳۹۷، ۴۶). «گل‌گژدین یا همان کژدم (عقرب) از جمله نقوش به‌غایت زیبا و تکامل‌یافته در بستر دست‌باف‌های بختیاری است که به زیبایی هرچه تمام‌تر سیر تکامل و تکوین خود را پیموده و در ردهٔ نقوش انتزاعی جای می‌گیرد. حرکت و پیچش بی‌نهایت زیبای این نقوش، فضای منفی کناره را فعال کرده و از تعامل فضای مثبت و منفی بر بستر دست‌بافته‌ها، ریتم و حرکت پایان‌ناپذیر خصوصاً در کناره‌های دست‌بافته ایجاد می‌شود. این نقش به‌صورت استیلیزه شده به‌عنوان محافظت (حرز) از نیش این جانور گزنده و سمی بر روی دست‌بافته‌های لر بختیاری در حاشیه بافته شده است» (ابراهیمی ناغانی، ۱۳۹۳، ۳۲).

#### - مار

در آیین مهر مار موجودی مقدس، سمبل باروری، حاصلخیزی، تولید و تناسل بوده است (آورزمانی، ۱۳۹۷، ۴۶). در صحنهٔ قربانی کردن گاو مقدس توسط میترا، مار به‌عنوان ملازم میترا با لیسیدن خون گاو قربانی تمایل خود را مبنی بر آبستن شدن و به‌وجودآوردن حیاتی دوباره آشکار می‌کند و

همچنین قسم به نور و آفتاب و سوی چراغ و تش‌چاله (آتش اجاق) معنای سوگند راست و بی‌غش و نص صریح، یادآور پیمان با مهر است که خود روشنی بکر و بی‌آلایش است.

#### • ماه

جایگاه پنجم کیش میتراپی، گذشته از وجوه رمزی، کنایه‌ای است که با طبیعت و رویدن گیاهان پیوند دارد. ماه را عامل زاینده‌گی و بالندگی جانوران و گیاهان تصور می‌کنند. «شباهت هلال ماه با شاخ گاو، انگیزه‌ای بود که ماه را حافظ ستوران و چارپایان و به‌ویژه گاو تصور کنند و باروری جانوران را همانند رشد و حاصلخیزی گیاهان، تابع ماه بدانند. در کاوش‌های شهداد، مهر استوانه‌ای بسیار جالب‌توجهی با نقش خدای ماه، حامی گیاهان و حیوانات مربوط به هزارهٔ سوم قبل از میلاد به‌دست‌آمده که تصویر ماه را به‌صورت خدایی مؤنث درحالی نشان می‌دهد که از بدن او خوشه‌هایی که احتمالاً گندم است، رویدند و در سوی دیگر مهر، این الهه به‌عنوان خدای حامی حیوانات در حالی که حیوانات متعددی در کنارش قرار دارند، به‌صورت نیمرخ با شاخ‌هایی در بالای سرش دیده می‌شود و هلال ماه در بین دو تصویر به‌چشم می‌خورد» (آورزمانی، ۱۳۹۰، ۷). بدین‌گونه، تصور باروری جانوران و حاصلخیزی گیاهان توسط ماه، موجب اعتقاد به ماه به‌عنوان ایزدبانوی باروری شد. در باور مردم بختیاری نیز ماه جایگاه خاصی دارد. مثلاً اگر هلال ماه رو به سمت پایین باشد، نشانهٔ برکت و نعمت است، در این ماه باران خواهد بارید. اگر زنی در ماه آخر آبستنی به ماه نو نگاه کند، نوزادش دختر خواهد شد.

ایرانیان باستان ماه را بیشتر به شکل هلال و گاه به شکل بدر (ماه پر) به این خدا منسوب می‌داشتند و از عناصر چهارگانه آب را، بنابراین نگاه کردن به کاسهٔ آب و دیدن شکل هلال ماه در آن اول هر ماه، به نشانهٔ خیر و برکت از رسومی است که در بختیاری برجای مانده است.

#### - گاو

در آیین میتراپیسم پس از آنکه میترا زاده می‌شود و با خورشید پیمان بسته و متحد می‌شود، برای آنکه میترا می‌خواهد به جهان حیات و جان ببخشد تا جانوران، گیاهان به‌وجود آیند، گاو مقدسی را که شیرهٔ هوم را خورده باید بکشد تا از جاری شدن خون آن رستاخیز طبیعت به‌وجود آید (رضایی، ۱۳۶۸، ۸۳). گاو در اساطیر بسیاری از ملل، نماد باروری و حیاتی نو است. در باور مردم بختیاری اگر «ورزا» (گاو نر) عطسه کند، نشانهٔ بارندگی است. همچنین آنها معتقد بر این بودند که کرهٔ زمین سر شاخ یک گاو است و تکان خوردن گاو باعث زلزله شده و کرهٔ زمین به حرکت در می‌آید، بنابراین زمانی که زلزله می‌آمد زنان بختیاری فرار نمی‌کردند، بلکه به سمت کیسهٔ آرد و سفرهٔ نان می‌رفتند و روی آن می‌زدند و می‌گفتند: «برکت برکت»



تصویر ۴. نمادهای مهرپرستی در دستبافهای زنان قوم بختیاری. مأخذ: آرشیو نگارنده.

و فدیهدادن است. زنان برای باروری و یا وضع حمل آسان و دختران در طلب همسر در این چشمه‌ها شستشو کرده و به الهه باروری متوسل می‌شوند. برگزاری مراسم آیینی در کنار آب و چشمه و بقاع متبرکه در فصول برداشت محصول، همه یادگارهای دوران باستان است که شکل ظاهری آن حفظ شده اما محتوای آن تغییر کرده و با باورهای جدید همسو شده است. آیین قربانی کردن گاو نر در سال‌های خشکسالی و کم بارشی در چشمه‌های مقدس که نمادی از آیین مهری است، هنوز هم جزئی از آداب و رسوم مردم بختیاری می‌باشد. مهر، خدای بزرگ آریایی و دارنده دشت‌های فراخ و اناهیتا، الهه باروری و آب‌های پاک همواره در کنار چشمه‌ها و درختان مقدس ستایش می‌شدند و قربانیان فراوان برایشان انجام می‌شده است.

**• احترام به درختان**

درختان از دیر زمان در نزد انسان گرمی بوده‌اند و انسان بدوی اعصار کهن گمان می‌کرده که آنها نیز مانند جانوران و مردم دارای روان هستند. «احترام به درختان و حتی برگزاری مراسم مخصوص به‌منظور ستایش از رستنی‌ها را باید به ایلامیان باستان نسبت داد. ایرانیان قدیم در این خصوص روش مشترکی با همسایگان خود داشتند. در عهد باستان شکستن درختان و آسیب رساندن به رستنی‌ها و حتی جداکردن میوه‌های نارس از درخت، خطایی نابخشودنی به‌شمار می‌آمد

نماد برکت‌بخشی است. مار به‌منزله حافظ گنج است و این نقش در دست‌بافته‌های عشایر بختیاری از جمله «وریس» و «سفره آردی» در واقع از گنج آرد محافظت می‌کند. در واقع مار نشانگر محافظی برای نگهداری و حراست از دارایی بارزش آنان است. نقش مار را به آب که مظهر پاکی است و راه‌های مال‌رو تشبیه می‌کنند (قاضیانی، ۱۳۶۷، ۱۵۵).

#### • ستاره

دانش ستاره‌شناسی یکی از پایه‌های آیین میتراپرستی است. «آموزه‌های میتراپرستی به‌شدت با نجوم و ستاره‌شناسی در آمیخته است. در باور میتراپرستان، روح انسان علوی است و از فلک اعلی که آسمان هشتم و جایگاه میتراست با گذشتن از هفت سپهر سیارات یا اختران آسمانی که هر یک جایگاه خدایی ویژه است، به زمین هبوط کرده است» (اولانسی، ۱۳۸۰، ۲۲). «در فرهنگ بختیاری جلوه‌هایی از نمادپردازی نسبت به ستاره‌ها وجود دارد که نشان از باورهای ماورایی و جادویی داشته و به‌عنوان نمادهای خوش‌یمنی و بدیمنی به کرات در فرهنگ این قوم کاربرد دارد. بختیاری‌ها با رؤیت بسیاری از ستاره‌ها به انجام یا ترک کارهای مثبت مرتبط با کوچ یا کاشت و برداشت محصول و غیره می‌پرداختند. نقش ستاره به کرات در دستباف‌های بختیاری به‌کار رفته است که بیشتر به شکل ستاره هشت پر است و با نقش تعویذ کاربرد دارد» (یعقوب‌زاده و خزائی، ۱۳۹۸، ۴۸)، (تصویر ۴). ستاره مشتری در میتراپرستی نشانه مهر و مظهر کمیابی است. در بختیاری معتقدند اگر سیارات زهره و مشتری (زهره مشتری) از کنار هم عبور کنند، بیننده هر خواسته و آرزویی که داشته باشد برآورده می‌شود.

#### • تقدس چشمه

«از آنجا که ایرانیان باستان برای طلب برکت و باروری همچون دیگر اقوام متوسل به الهه باروری می‌شدند، چشمه و درخت مقدس، نمادهای باروری و حاصلخیزی هستند و نگهبانان آن مهر و اناهیتا بوده‌اند. به احتمال دیگر، پیران و بزرگانی محافظ درخت و چشمه‌هایی بوده‌اند که نزد مردم، احترامی خاص دارد (جوادی، ۱۳۸۶، ۳۰). چشمه‌های نزدیک بقاع متبرکه که به آب مراد معروف هستند نزد مردم بختیاری ورجاوند و ارجمند بوده و مردم برای آنها احترام بسیاری قائل هستند. درون آنها پر از سکه‌های فلزی است که برای نذر و بخشش درون چشمه انداخته شده‌اند و برداشتن آنها را گناه به‌شمار می‌رود. «کومن» می‌نویسد: چشمه‌ای خشک‌نشدنی در نزدیکی مهرابه‌ها می‌جوئید و دیدارکنندگان به آن نیایش می‌کردند و برای آن نذر و برات می‌آوردند (مقدم، ۱۳۸۸، ۶۴). «پول در آب ریختن» یک اصطلاح کهن در فرهنگ مردم ایران است. پول ریختن در آب نوعی قربانی، نوعی گره‌گری و نذر و بخشش

و آزاده می‌بیند و دوست دارد بچه‌ای که در شکم دارد روزی جوان شجاع، بلندقامت، آزاده و همچون سرو شود (یعغوب‌زاده و خزائی، ۱۳۹۸، ۵۱).

#### • پیر

واژه پیر در میان زاگرس‌نشینان به معنای دانشمند، عالم روحانی، مقدس و نیز سالخورده به کار می‌رود. در جای‌جای سرزمین بختیاری زیارتگاه‌های مقدسی وجود دارد که بیشتر آنها کلمه پیر را در پیشنام یا پسنام خود دارند، مانند پیر مونغشت و شه پیر. گمان می‌رود مدفن پیرهایی باشند با داشتن کیش رسمی زرتشت و اعتقادات میتراپی، که در این سرزمین دفن شده باشند. پیر هفتمین مرحله از سلسله مراحل مهرپرستی است. پیر در جایگاه ریاست انجمن میتراپی نماینده میترا، ایزد پیمان و جنگ‌آوری است و بر دیگر اعضای انجمن برتری دارد. در گذشته نه چندان دور هر طایفه بختیاری یک انجمن میتراپی تحت نظارت یک پیر به‌طور جداگانه اداره می‌شده است. برخی شواهد عینی از انتساب پیرها به یک طایفه معین، این نظریه را تأیید می‌کند.

زرتشتیان ایران مکان‌های مقدس برای فرشتگان یا ایزدان داشتند و آسان می‌شد بعضی از این مقابر و مزارات و تربت‌ها و حدود صحن‌های مقدس و زیارتگاه‌های مورد احترام را به مسلمانان نسبت داد. نام پیر را چه بسا زرتشتیان بر این مکان‌ها و صحن‌ها و محدوده‌ها نهاده باشند تا آنها را از گزند و دستبرد و ویرانگری نگاه دارند و این خود انتقال این مکان‌ها را از پیش از اسلام به دوران اسلامی آسان‌تر ساخت (فرای، ۱۳۶۳، ۱۵۶). اماکن مقدس اسلامی و زرتشتی که امروز بعضاً در سراسر ایران وجود دارند، یادگارهایی از دوران نیایش مهر است که مطابق با باور جدید به حیات خویش ادامه داده‌اند. بسیاری از امامزاده‌ها و مساجد قدیمی ایران روزگاری نیایشگاه مهر و آنهایتا بوده و بعدها تبدیل به اماکن مقدس اسلامی شده‌اند. بدیهی است که با پذیرش دین جدید تغییراتی در ساختمان این بناها حاصل شده و به تدریج به تزیینات دوران اسلامی مزین شده‌اند. به‌گونه‌ای که اصل و ریشه آن در آیین‌های پیشین نهفته و تشخیص آن برای عوام دشوار است. اما نشانه‌های بسیاری وجود دارد که می‌توان چگونگی تغییر و تبدیل مکان مقدس کهن را به وضعیت جدید پیگیری کرد (جوادی، ۱۳۹۷، ۱۴).

#### • شب یلدا

ایرانیان بیش از سه هزار سال است که شب یلدا را جشن می‌گیرند و جزء یکی از رسوم متعدد آنهاست. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد آریایی‌ها از دوران باستان این شب را گرامی می‌داشتند و آن را شب «تولد مهر» می‌دانستند. «یلدا» واژه سریانی و به معنی «تولد» است. بررسی‌های انجام‌شده دال بر آن است که شب موصوف به یلدا، مفاهیمی همچون

و نیاکان ما عقیده داشتند که اگر کسی درخت بزرگ میوه و پر شاخ و برگ را بیفکند و یا شاخ‌های آن را بشکند، در همان سال یکی از خویشاوندان خود را از دست می‌دهد» (خدادادیان، ۱۳۵۷، ۱۱۴). در بختیاری نیز درختان کهنسالی وجود دارند که به نوعی با اعتقادات مذهبی مردم منطقه درآمیخته‌اند. انواع مختلفی از این درختان در نقاط مختلف پراکنده‌اند. تقدس درختان تنومند در ایران حدیث دیرینه‌ای است که با زندگی نیاکان ما عجین بوده و اکنون نیز در باورهای ما جای دارد. «درختان کهنسال که در گورستان‌ها و در جوار نیایش‌گاه‌ها وجود داشته‌اند، برگزیده مردم بوده و در ادراک و تجربه مذهبی کهن، نماد باورهای فرا طبیعی‌اند، چونان که در ورای درخت همواره ذات و جوهری روحانی نهفته است و هرگز درختی به‌عنوان خود درخت پرستیده نشده، بلکه رمز و رازهای گوناگون و عجیبی با آن همراه است» (جوادی، ۱۳۸۷، ۳۰).

در باور مردم بختیاری «بعضی درختان حاجت قدرت اعجاز و نماد باروری‌اند. برای بعضی درختان قدرتی مافوق طبیعی قائل بودند، از قامت بلند و هیبت آن به وجد می‌آمدند و احترام می‌گذاشتند، نذر و آرزو و حاجت‌های خود را با تکه پارچه‌های رنگین به آن گره می‌زدند ... از درخت انتظار معجزاتی چون بچه‌دار شدن، بهبودی و سلامتی و رسیدن به آرزوها دارند ... مادران برای رفع چشم‌زخم چوب درختان مراد را به گهواره نوزاد می‌بندند، به درختان تقدس یافته سنگ نمی‌زنند و شاخه آن را نمی‌شکنند» (داودی حموله، ۱۳۹۳، ۵۶۵ - ۵۶۶).

درخت کنار در باور قوم بختیاری جایگاه ویژه و مقدسی دارد، آنها بر این باوراند که درخت کنار دارای قداستی خاص است تا جایی که بدان توسل جسته و دخیل می‌بندند به امید آنکه خواسته‌ها و آرزوهایشان برآورده گردد و این عمل در نزد زنان کاربرد چشمگیری دارد. «در باور مردم توان جان‌بخشی دارد، برای بچه‌دار شدن، بخت‌گشایی و رفع بیماری و بهبودی به درخت کنار توسل جسته، دخیل می‌بندند و نذر می‌کنند» (همان، ۵۷۲). معتقدند همانگونه که شاخه‌های درخت سیر صعودی دارند و رو به آسمان در حال حرکت هستند، می‌تواند خواسته آنان را نیز به جهان‌های بالاتر هم‌مخون ساخته تا از آن طریق خداوند خواسته آنان را اجابت کند. از دیگر باورهای دیرین بختیاری نسبت به درخت کنار این است که زیر بغل‌های میت تکه چوبی شبیه به حرف Y انگلیسی از درخت کنار (سدر) قرار می‌دهند. درخت سرو درخت جاودانگی است. نماد نامیرایی و جاودانگی از نمادهای مهری است. وجود نقوش گیاهان در آثار هنری، گواه بر اعتقاد و باورهایی است که این افراد نسبت به این نقش دارند. نقش سرو و کاج نیز در قالی‌های بختیاری با اعتقادات و باورهای مقدس همراه بوده است. امروزه نیز زن بختیاری شوهر خود را در قالب سرو قوی، مستحکم

مسافتی دور از آبادی در مکان مناسبی فرود می‌آیند و نیایش می‌کنند و از خدا طلب باران می‌کنند که در این میان یکی از بزرگان و ریش‌سفیدان کهن‌سال در پی آنها آمده و آنان را از رفتن مجدد باز می‌دارد و به ایشان قول می‌دهد که خداوند باران رحمتش را از بندگان دریغ نمی‌کند و همگی را به خانه برمی‌گرداند.

#### • پرستش عوامل طبیعی

مهر را چنین تعریف کرده‌اند که با اینکه در درون خورشید قرار گرفته ولی خود خورشید نیست. «اساس مهرپرستی یا میترائیسم بر این اعتقاد است که مهر خدای بزرگ است و خدایان دیگر کوچکتر از او. میترائیسم براساس پرستش آتش و پرستش قوای طبیعت، مثل باد و طوفان، خرمی و بهار، آسمان و کوه و جنگل و شب و ... پرداختن به سحر و جادو است که لازمهٔ پرستش قوای طبیعت و اعتقاد به ارواح خبیث و طیب که دست اندرکار جهان اند، است» (قدیانی، ۱۳۸۱، ۹۶).

پرستش بعضی از عوامل طبیعی [عقیده به فیتیش] اعتقاد به خاصیت مو، پوست و دست و پای خشک‌شدهٔ گرگ، مهرهٔ مار، خواندن اوراد خاص توسط ملاهای محلی جن‌گیر، چله‌بری برای زن تازه زائیده و استفاده از چند نخ رنگی با هفت گرهٔ مخصوص و خواندن و دمیدن اورادی بر آنها، دخیل بستن به بعضی از درختان به‌خصوص درخت کنار به‌عنوان نظرکرده و بوسیدن بعضی از سنگ‌های مرجانی و سنگواره‌ای که به اشکال مختلف در دست بعضی از سادات محلی است و ... از باورهای مردم بختیاری است.

#### • رنگ‌ها

رنگ سبز یکی از عناصر مقدس در آیین مهرپرستی است. «در خرده اوستا رنگ ماه سبز قلمداد شده است» (جلالیان، ۱۳۹۷، ۳۹). وجود مقدار زیادی امامزاده به نام سبزپوش و روی مچ بستن نوارهای پارچه‌ای سبز رنگ که هنگام زیارت اماکن متبرکه سوغات می‌آورند گواه این امر است. علاوه بر رنگ سبز، رنگ آبی نیز از نشانگان میترائیسم است. استفاده از مهره‌های آبی رنگ که به سبزمهره معروف هستند، علاوه بر دلیل علمی خاصیت خنثی‌کنندگی انرژی نگاه (چشم‌زخم) جهت تزیین در منزل و همچنین استفاده از مهرهٔ «لپک» و ... از بازماندهٔ آن نشانه‌هاست.

«بنابر آثار زرتشتی، میترا فروغ ایزدی و پاسبان عهد و پیمان مردم با دروغ و دشمنی پیکار دارد. او گردونه‌ای زرین با چهار اسب سفید یکرنگ که از مظاهر خاک، باد، آب، آتش و عناصر اربعه هستند، سم دستان آنها زرین و سم دو پایشان سیمین است و همه را لگام و دهنه‌ای است که به چنگکی شکافدار، خوش‌ساخت و از فلزی گران‌بها می‌پیوندد و بدین‌سان اسبان

زایش، تولد، آفرینش، آمدن، ظهور و پدیداری را با خود به همراه داشته و با مترادف‌هایی از این دست ارتباط مستقیم دارد (آموزگار، ۱۳۸۷، ۲۹). ایرانیان باستان بر این باوراند که فردای شب یلدا با تابش نور و دمیدن خورشید روزها بلندتر می‌شود. آخر پاییز و اول زمستان ایزدی افزونی است و آن را شب زایش مهر یا زایش خورشید می‌خواندند. شب یلدا در قوم بختیاری «شو چله» نامیده می‌شود، در این شب بختیاری‌ها کدو تنبل بزرگی را که برای آنها نماد خورشید دارد می‌پزند و به‌صورت تکه‌تکه کرده و می‌خورند.

#### • واسطه و میانجی‌گری

اغلب خاورشناسان معنی اصلی «مهر» را واسطه و میانجی ذکر کرده‌اند. مهر واسطه است میان آفریدگار و آفریدگان. در آموزه‌های مهری نیز چشمان نوآموز را می‌بستند. مرشد نوآموز را به جلو می‌رانند، سپس ناگهان او را به جلو هل می‌داد و شخص دیگری قبل از زمین خوردن او را در آغوش می‌گرفت که به این شخص ناجی گفته می‌شد. نقش واسطه بین آفریدگار و آفریدگان را می‌توان در آیین‌های باران‌خواهی قوم بختیاری نیز مشاهده کرد.

#### - کل الیکوسه

«هارونکی» یا «هَل هله کوسه» یا «کل الیکوسه» همان مراسم کوسه‌گردانی از آیین‌های نمایشی است که در شب هنگام فصل کم‌باران یا بی‌بارانی به نمایش گذاشته می‌شود. یک نفر را به‌عنوان کوسه برمی‌گزینند (کوسه نمادی از دیو خشکسالی است). کوسه را به هیئت دیوی آراسته، صورت او را سیاه کرده و دو شاخ بر سر او آویزان می‌کنند، در حالی که عدهٔ زیادی از مردان و جوانان کوسه را فرا گرفته‌اند و در منازل و چادرها می‌روند. این کوسه‌گردانی نشانی از غلبهٔ مردم بر خشکسالی است.

«افرادی که صدا را می‌شنوند، از چادرها بیرون می‌آیند و به سر و صورت کوسه آب می‌ریزند و صاحبان چادرها مقداری قند یا آرد به آنان می‌دهند و بالاخره یک نفر حاضر می‌شود که ضامن کوسه شود و کوسه قول می‌دهد که در دو سه روز آینده باران ببارد.

#### - دا بارون

این آیین کهن مذهبی که دعایی برای باریدن باران است، زنان و کودکان در زمستان و بهار اجرا می‌کنند. نحوهٔ اجرای این مراسم دعا و نیایش به این شکل است که زنی خوش‌سینما و خوش‌قامت با کوله‌باری بر دوش و خورجینی که در آن مشک خشک تهی از آب و سه قطعهٔ چوب که از ملارخانه گرفته است و با ریسمان وریس به گونه‌ای خاص به کمر بسته است راهی کوه می‌شود و سرناوازی در پایین دست او شروع به نواختن آهنگ (دو دسماله) می‌کند. پس از طی



در کنار هم می‌ایستند...» (دوستخواه، ۱۳۶۲، ۲۲۸).

### نتیجه‌گیری

مهر به‌عنوان یکی از ایزدان قدرتمند ایران باستان در ناخودآگاه سازندگان افسانه‌های ایرانی به حیات خود ادامه داده است. به‌طوری‌که توانسته کارکردها و خویشکاری‌های خود را از قبیل: برکت‌بخشی، زاینده‌گی، شفابخشی، پیونددهندگی، ازدواج و تاجبخشی ... در قالب‌های گوناگون به عصر حاضر منتقل کند. در گذر زمان با دگردیسی اسطوره‌ها و ایزدان در قالب افسانه‌ها و شبه آن، آیین مهر نیز تغییر چهره داده و کارکردهای آن به حیوانات افسانه‌ای منتقل شده است و می‌توان برای مهر در افسانه‌های عامیانه ایرانی، نمود حیوانی قائل شد. آیین مهر یکی از آیین‌هایی است که تصاویر نمادین به‌عنوان زبان بصری در انتقال مفاهیم و مبادی این آیین و پیروان آن به‌کار رفته است. امروزه به لطف نمایه‌های نمادین و اسطوره‌های به‌یادگار مانده می‌توان برخی از رازورمزهای تاریخ باستان را رمزگشایی کرد.

آیین‌های بختیاری به‌عنوان میراث ناملموس مردم بختیاری، از دیرباز سینه به سینه به ایشان به ارث رسیده است. البته این گذر زمان در برخی موارد رنگ‌وبویی عرفانی و دینی به خود گرفته که این مهم بر زیبایی‌های آن اضافه کرده است. نشانه‌ها و نمادهای آیین میتراپیسم را در فرهنگ قوم بختیاری به‌وضوح می‌توان مشاهده کرد. باورها و اعتقادات راجع به خورشید، ماه، آب، آتش و نمادهای جانبی آنها و آیین‌هایی چون قربانی و نیایش در پای درختان کهنسال و چشمه‌های مقدس و توسل جستن به آنان برای باروری انسان، گیاه، دام و حاصلخیزی و سرسبزی کشتزارها در جامعه کشاورزی و دامداری که اهمیتی ویژه داشته است. این آیین‌ها و باورها پل ارتباطی میان بختیاری و مهر، خدای بزرگ آریایی و دارنده دشت‌های فراخ و ایزد باروری و آب‌های پاک است که همواره در کنار چشمه‌ها و درختان مقدس ستایش می‌شدند و قربانیان فراوان برایشان انجام می‌شده است. به هر روی اعتقادات بختیاری‌ها درخصوص مهر و نمادهای آن از دیرباز و از اعصار کهن تا به امروز به حیات خود ادامه داده است.

### فهرست منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۷). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۰). منظر آسمانی؛ نگاهی به رازهای ماه در ایران باستان. منظر، ۳(۱۴)، ۶-۹.
- آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۷). آیین مهر در اسطوره و تاریخ و سیر تحول آن در شرق و غرب. هنر و تمدن شرق، ۶(۲۲)، ۴۱-۴۶.
- ابراهیمی ناغانی، حسین. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر زیباشناسی نقش

و رنگ گلیم در عشایر بختیاری. نگارینه هنر اسلامی، ۱(۱)، ۱۹-۳۹.

- ولانسی، دیوید. (۱۳۸۰). پژوهشی نو در میتراپرستی (ترجمه و تحقیق مریم امینی). تهران: نشر چشمه.
- پورداود، ابراهیم. (۱۳۷۷). *بشت‌ها*. تهران: اساطیر.
- جلالیان، مینا. (۱۳۹۷). حضور نمادهای باستانی ایران (مهری-میترای) در فرهنگ و هنر غرب و تداوم آن در دوران اسلامی و مسیحی. هنر و تمدن شرق، ۶(۱۹)، ۳۸-۴۹.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت، کوه). *باغ نظر*، ۴(۸)، ۱۲-۲۲.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۷). *درخت‌های آیینی*. منظر، ۱(۰)، ۳۰-۳۳.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۷). اماکن مقدس با پیشینه نیایشگاه مهر. هنر و تمدن شرق، ۶(۱۹)، ۱۰-۱۵.
- خدادادیان، اردشیر. (۱۳۵۷). اعتقادات آریایی‌های باستان. *بررسی‌های تاریخی*، ۱۳(۴)،
- داودی حموله، سریا. (۱۳۹۳). *دانشنامه قوم بختیاری*. اهواز: معتبر.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۶۲). *اوستا نامه مینوی آیین زرتشت* (ج. ۲ و ۴). چاپ چهارم، تهران: مروارید.
- رجبی، پرویز. (۱۳۸۰). *هزاره‌های گمشده* (ج. ۱). تهران: توس.
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۶۸). اصل و نسب دین‌های ایران باستان. تهران: طلوع آزادی.
- رضی، هاشم. (۱۳۷۱). *آیین مهر، میتراپیسم*. تهران: انتشارات بهجت.
- صمدی، مهرانگیز. (۱۳۶۷). *ماه در ایران*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- فرای، ریچارد. (۱۳۶۳). *عصر زرین فرهنگ ایران* (ترجمه مسعود رجب‌نیا). چاپ دوم، تهران: سروش.
- قاضیانی، فرحناز. (۱۳۶۷). *بختیاری‌ها، بافته‌ها، نقوش*. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- قدیانی، عباس. (۱۳۸۱). *تاریخ ادیان و مذاهب در ایران*. تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.
- کورت، آملی. (۱۳۷۸). *هخامنشیان* (ترجمه مرضیه ثاقب‌فر). تهران: ققنوس.
- مقدم، محمد. (۱۳۸۸). *جستاری درباره مهر وناهید*. تهران: هیرمند.
- منصوریان سرخگریه، حسین و دهقان قاسم خیلی، معصومه. (۱۳۹۰). آیین تدفین و سوگواری در شاهنامه. *زبان و ادبیات فارسی*، ۲(۴)، ۱۳۳-۱۵۰.
- نیاز کرمانی، سعید. (۱۳۶۴). *حافظ شناسی* (مجموعه مقالات). تهران: گنج کتاب.

- ورمازن، مارتین. (۱۳۸۷). *آیین میترا* (ترجمه بزرگ نادرزاد). تهران: چشمه.
- هال، جیمز. (۱۳۸۰). *فرهنگ‌نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب* (ترجمه رقیه بهزادی). تهران: فرهنگ معاصر.
- یغوبزاده، آزاده و خزائی، محمد. (۱۳۹۸). نقش‌مایه‌های طلسم و تعویذ و حرز (مطالعه موردی دست‌بافته‌های عشایر لر بختیاری). *هنر و تمدن شرق*، ۷(۲۵)، ۴۳-۵۱.

**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

احمدی بیرگانی، امین. (۱۴۰۰). بررسی آیین مهرپرستی در فرهنگ قوم بختیاری. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۹(۲۲)، ۵۷-۶۶.

DOI: 10.22034/jaco.2021.257749.1174

URL: [http://www.jaco-sj.com/article\\_132858.html](http://www.jaco-sj.com/article_132858.html)

